

بقلم : آقای طاهری شهاب

منظر ساروی

میرزا علی اصغر منظر ساروی معروف بملاباشی از شعرای گمنام عصر ناصری است که در حدود سال ۱۲۷۰ هجری قمری متولد و بسال ۱۳۱۲ هجری در طهران بدرود حیات گفته و در این بابویه مدفون گشت اجداد وی از اهالی هزار جریب مازندران و پدرش میرزا اسمعیل در سلك روحانیون به ارشاد خلائق روزگار میگذرانید .

میرزا علی اصغر تحصیلات خود را در ساری بیابان رسانیده و چون در همان اوان جوانی طبعی سرشار داشت مورد توجه و تربیت استاد محمد مهدی داوری مازندرانی قرار گرفته و در انجمن ادبی داوری بصرف تخیلات معنوی خویش اشتغال ورزید و در اقتفای غزلهای مطروحه انجمن مذکور کراراً بعلت ذوق واستعدادشایانی که داشت هر غزل مطروحه را در یک وزن وقافیه دو غزل ساخته و قرائت مینمود . در انجمن داوری باوصف بودن شعرائی امثال محمد جعفر غیبی ، میرزا محمد شفیع مفتون ، میرزا عباس پریش ، میرزا فضل اله سبحان که هر کدام در فنون ادب از سرآمدان عصر خود بودند و سرایندگان دیگر آن انجمن همگی باستادی آنان اذعان داشتند .

منظر از لحاظ استعداد سرشار و اصالت خانوادگی و استغنائی طبع و فروتنی و وارستگی مورد عنایت خاص رفقای ادبی خود بوده است .

مرحوم رضا قلیخان هدایت با آنکه هم ولایتی میرزا علی منظر بود نامی نه تنها از او بلکه از هیچکدام از شعرای انجمن استاد داوری در کتاب مجمع الفصحای خود

نبرده است ولی صاحب تذکره (مدائح معتمدیه) میرزا محمدعلی بن ابوطالب اصفهانی مذهب متخلص به بهار در تذکره خود او را جزو مداحان معتمد الدوله منوچهرخان شمرده و در باره اش چنین مینویسد :

للفصاحت مظهر وللبلاغت سنجر - ازا عاظم مازندران جنت نشان و از نشو و نما یافتگان آنسامان ، نام نامیش میرزا علی اصغر وشانه عندالادبا اکبر از احوالش بر فقیر رمزی معلوم نیامده بود و چیزی مفهوم نگردیده ، شخصی جلیل القدر و شاعری وسیع الصدر است و وقتی در دارالمرزگیلان بحیازت مدایح آفتاب لوایح این مفاخر و مرکز مناقب اشتغال داشته است .

مؤلف تذکره (طلعت عنقا) در باره اش می نویسد :

از آثارش پیدا است که مردی خوش ذوق و با کمال بوده است ولی راجع به تخلصش با اشتباه افتاده بجای (منظر) مظهر مینکارد و معلوم نشد که این اشتباه از چه طریق بنویسنده تذکره طلعت دست داده است در صورتیکه در کلیه آثار باقیمانده این شاعر همه جا او تخلص خود را منظر مینویسد .

در جنگ خطی که مرحوم شیخ احمد ظریف ساروی از شعرای مازندران و غیره تدوین و اکنون در اختیار نگارنده میباشد قریب به یکهزار بیت شعر از قصیده و غزل و رباعی از مرحوم میرزا علی اصغر منظر راجع آوری کرده و از دستبرد حوادث زمان محفوظ داشته است در صورتیکه اصل دیوان او با همه کوششی که نویسنده این سطور بعمل آورده از بین رفته و معلوم نیست بدست چه کسی افتاده و در کدام گوشه فراموشی در بوته غبار زمانه محبوس مانده است .

از آثار باقیمانده منظر چنین مستفاد می شود که او در انواع شعر غزل را جافانه تر و دلچسب تر میسروده و قیافه معنوی خویش را در غزل بیشتر از همه انواع شعرش آشکار می ساخته و سوزی را که در غزلیات او نهفته است در سایر اشعار او نمیتوان

یافت اینک نمونه‌ای از آثارش را که خود بهترین معرف و شاهد مقال ماست ذیلا درج می‌نماید :

قصیده

حبذا بخت مبارک پی فیروز اثر
 که از آنست مرا پایه ز هفت اختر بر
 هر کجا جای کنم قاید نصرت در پیش
 هر کجا پای نهم آیت رحمت به اثر
 دیده گر خواب ازین پیش سپرداست بیخ
 باز خواهد که کنون نوبت بخت است سهر
 دل که بود در آتش سوزنده هجر
 این زمان عیش فزا ، کامروا ، با دلبر
 هر چه بینم همه آن کام دل و راحت جان
 هر چه چینم همه از نخل مرادست ثمر
 چرخ نالان همه از کرده بیهوده خویش
 که مگر ز آنچه از او دیدم بیند کیفر
 دهر پویان که مرا خانه امن است خراب
 آخر از دست حوادث شده خونم بهدر
 ضرر کرده اجرام مرا دامنگیر
 شجر فتنه ایام مرا بار آور

همه در باری من شش جهت و چارارکان
 بهوا داری من نه فلک و هفت اختر
 اینزمان جویند قدر و خطر از صحبت من
 آن حریفان که همی از منشان بود حذر
 بسرایم که هوایش بوبا بود قرین
 بوثاقم که فضایش بعنا بود سمر
 از صبا مشک تتاری بودش روح فزا
 از هوا عود قماری بودش جان پرور
 نزد خلاق یگانه بدو گانه مشغول
 پی شکرانه این نعمت بی پایان در
 شکر گویان بزبان لیک بدل غافل از آن
 گرچه بخت آمده مسعودم و میمون اختر
 پی اندیشه این تا که کنم فهم سبب طاعات فرنگی
 دوش بگذشت مرا شب همه شب تا بسحر
 بانگ برخاسته از مرغ سحر خوان ناگاه
 از سروش آمده در گوش خروشم باثر
 کی ترا مهر بری آمده از دل زوال
 کی ترا بخت رهی آمده و فرمانبر
 هان بیندیش که در وصف که با غایت صدق
 تهنیت خوانی و پیرایه فزائی دفتر

غزل

چه خوش است پیش زلفت سرشکوه باز کردن
 کله های روز هجران بشب دراز کردن
 همه روز در خیالم که شب دگر بیاید
 تو و نازها که داری من و آن نیاز کردن
 در دل نشاید اکنون بهمه فراز کردن
 تو بخانه ای نشاید در خانه باز کردن
 به تکلمی دهانت بگشوده عقده هایم
 چه خوش است کشف معنی پراهل راز کردن
 سر کوی دلبر من بحریم کعبه ماندم
 که بهر طرف کنی رو بتوان نماز کردن
 بگذار تا که (منظر) ز تو کام دل بگیرد
 تو هزار جای داری ز برای ناز کردن
 تاراج هوش مردم هشیار میکنند
 هر جا حدیث حسن تو تکرار میکنند
 آزادگان بیندگی اقرار میکنند
 خوبان بخون دوست دلیرند و دوستان
 جانها بدست و دوستی اظهار میکنند
 جویم اگر به مذهب ایشان طریق مهر
 کی عاشقان زجرم خود انکار میکنند
 ترکان می پرست بچشمان نیم مست
 تاراج هوش مردم هشیار میکنند
 واقف اگر زمستی ما زاهدان شوند
 سجاده وقف خانه خمار میکنند
 (منظر) مرا ز رطل گران میکشان مدام
 از محنت زمانه سبکبار میکنند